

نقد و بررسی: دولت موقت (دولت مهندس مهدی بازرگان)

تنظیم کننده: محمدمهدی کارآموزیان^۱

ابتدا باید عنوان نمود که شاید وارد کردن انتقادات اساسی به عملکرد دولت‌های تشکیل شده در اول انقلاب اسلامی ایران امری منطقی به نظر نرسد. این امر به ویژه در رابطه با انقلاب اسلامی به این دلیل صدق می‌کند که در تمامی انقلاب‌ها، به ویژه انقلاب‌های معاصر، تقریباً از ابتدا ایدئولوژی مبارزین و نوع حکومت مدنظرشان مشخص بوده و لذا پس از پیروزی، با وجود شرایط انقلابی، تشکیلات حکومتی نسبتاً منسجمی ایجاد و اهداف مدنظر انقلاب با سرعت پیگیری می‌شده است. بررسی انقلاب‌های کمونیستی معاصر موید این موضوع است. لکن این مسئله در خصوص انقلاب ایران کمی پیچیده می‌باشد. تلاش طیف‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف برای سرنگونی نظام سلطنتی، طی نیم قرن پیش از انقلاب وجود داشته و با وجود اینکه نقش رهبری و ایدئولوژی مذهبی در سرنگونی نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب مقدم بود، لکن باید در نظر داشت که در این بین جریان‌های قوی مختلفی از چپ مارکسیست و التقاطی گرفته تا ملی-مذهبی، دموکرات، اسلام‌گرای صرف و غیره نیز در جریان مبارزات نقش داشتند و هر یک پس از پیروزی انقلاب تلاش داشتند تا اصول مدنظر خود را در جامعه و حاکمیت سیاسی اعمال نمایند. لذا از آنجا که تا پیروزی انقلاب، به لحاظ تئوریک، مشخص و منسجم، هیچگونه سیستم حکومتی مدون و از قبل طراحی شده‌ای زیر نظر پیشتازان نهضت وجود نداشته و از طرفی رهبری نهضت نیز تمایلی برای حضور در عرصه اجرایی قدرت نداشت، به واسطه وجود این عرصه خالی، بسیار طبیعی است که گرایش‌ها و اندیشه‌های مختلف در حاکمیت مجال حضور یابند و به تدریج و با آزمون و خطا و دخالت عوامل اصلی نهضت، حذف، تعدیل یا تقویت شوند و نهایتاً ساختار

حاکمیتی با دیدگاه حال حاضر شکل بگیرد. لذا حضور دیدگاه‌های لیبرالی، ملی- مذهبی و یا بعدها، دولت‌هایی با رویکرد چپ و غیره در اوایل انقلاب به نظر امری طبیعی آمده و نباید به نوع عملکرد این دولت‌ها که نشأت گرفته از نوع نگاه آنها به حاکمیت و سیاست داخلی و خارجی بوده است، ایراد جدی وارد نمود. همانطور که عنوان گردید، اشکال در عدم انسجام، هرج و مرج و مشخص نبودن چیدمان صحنه سیاسی در این مقطع است.

لکن در مجموع اگر بخواهیم به نقد عملکرد دولت موقت بپردازیم، موارد زیر به نظر برجسته‌ترین موارد است:

۱. اولین و مهمترین انتقاد متوجه شخص مهندس بازرگان است. بررسی سوابق اجرایی، مبارزاتی و همچنین لحاظ نمودن تجربه طولانی ایشان این پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد که اصولاً چرا وی با وجود درک عمیق از شرایط خاص انقلابی آن برهه، شناخت خود و ایده حکومتی همفکرانش و اطلاع از تفاوت عمیق دیدگاه با رهبری انقلاب، حاضر به پذیرش این مسئولیت در این مقطع می‌گردد. این امر نباید از ابتدا از چشم مهندس بازرگان بدور مانده باشد که نوع حکومت مدنظر وی، به طور مثال حرکت آرام و پله پله دولت موقت، هرگز با شرایط پر انرژی این مقطع سازگار نیست و از طرفی، دست قدرتمند نیروهای مذهبی از جمله منصوبین امام خمینی در شورای انقلاب، در شرایط خلأ حاکمیتی و هرج و مرج سلسله مراتبی، مانعی جدی پیش روی سیاست‌های آن به ویژه در عرصه خارجی خواهد بود. لذا شاید بتوان گفت علی‌رغم علم مهندس بازرگان به این مسائل، احراز منصب قدرت ولو با شرایط مذکور، از بزرگترین اشتباهات وی می‌باشد.

۲. با وجود اینکه امام در حکم نخست وزیری بازرگان علناً و رسماً از وی می‌خواهد که در تشکیل دولت از نگاه حزبی و جناحی بپرهیزد، لکن در عمل مهندس بازرگان منحصرراً از همفکران نهضت آزادی و یا افراد نزدیک به این تفکر جهت احراز پست‌های وزارت و معاونتی خود بهره می‌گیرد. نتیجه این روند نیز کاملاً روشن است. انتصاب

منحصر به یک نگاه، عملکرد مبتنی بر این دیدگاه را ایجاد می‌کند که نهایتاً منجر به نارضایتی رهبری نهضت و توده‌های پیرو وی می‌شود. امری که مانع اصلی تداوم تفکر دولت موقت حتی در برهه‌ها و مراحل بعدی انقلاب می‌گردد.

۳. به نظر می‌رسد از جمله مسایل مهم دیگر که انتقاد جدی به عملکرد دولت موقت وارد می‌سازد، از یک سو عملکرد مستقل و بی هماهنگ این دولت با جریان و گفتمان آن مقطع انقلاب و از سوی دیگر، آزادی عمل وزرا و مسئولین در داخل دولت و تصمیم‌گیری بر اساس نظر خود و بدون در نظر گرفتن شرایط خاص آن دوران باشد. مذاکره با آمریکایی‌ها در مقاطع مختلف و به ویژه در الجزایر و تبعات آن، نمونه‌ای از این نوع عملکرد است.

۴. تناقض رفتار در سیاست خارجی این دولت از دیگر مواردی است که قابل نقد می‌باشد. پختگی رئیس دولت موقت و اکثر قریب به اتفاق کابینه و نوع نگرش آنها به حکومت، در بسیاری از جهات با عملکرد آنها هماهنگ نبوده و با افراط و تفریط همراه بوده است. نقض یا عدم پیگیری پیمان‌های تسلیحاتی- نظامی- دفاعی با آمریکا، رفتن به سمت شرق و ... نمونه‌ای از این تناقضات است که خود دلیلی بر عدم انسجام داخلی این دولت و مشخص نبودن سیاست کلان و دراز مدت در این عرصه است. هرچند شاید به دلایل و شرایط عنوان شده، توقع وجود چنین انسجام و چشم اندازی نیز صحیح به نظر نرسد.